

الله أكبر  
الله أكبر

٤١٥٣٨

دانشگاه تربیت معلم تهران  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

اعلام (اشخاص) در مثنوی های عطار

۱۳۸۱ / ۵ / ۳۰

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر حکیمه دبیران

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمود فتوحی

دانشجو:

شهریار آزادخواه

اردیبهشت ۸۱

۳/۵۳۸

رژمانشاه آذربایجان  
تبریز

تقدیم به:

پدر مهربانم

بزرگ مردی بلند همت که وجود پرمهرش همواره  
تکیه‌گاهم بود آنکه از نگاه سبز و آفتابی‌اش بالیدم و  
الفبای زیستن را از قلب آکنده از عشقش آموختم. ای  
تمامی هستی من، سایه‌ات بر سرم همواره گسترده باد.

تقدیم به:

مادر عزیزم

به پشیمان نگران او، به فلوصلش، به مهربانی و مهر  
بی‌کرانش، به دلداریهایش در روزهای سخت تنهایی‌ام.  
باشد که پاسفگوی قطره‌ای از دریاهاى محبت بی‌کرانش  
باشم.

تقدیم به:

همسر محبوبم

آنکه جاودان زندگیم شد تا هستی‌ام معنی رومانی یابد و  
مضور فالمانه‌اش تکامل عالمانه می‌اتم را شکوفایی  
بخشید.

و تقدیم به پسر کوچکم محمدمسعود بخاطر وجود  
باصفایش



### « تشکر و سپاس »

با سپاس از خدای بزرگ که توفیق به انجام رسانیدن این اثر ادبی را به کمترین بندگان خویش عنایت فرمود، وظیفه دارم سپاس فراوان خود را به همه کسانی که به نوعی در پرورش فکری ام مؤثر بوده اند و از محضرشان بهره ها برده ام تقدیم دارم.

به خصوص از استاد ارجمند و گرانقدرم سرکار خانم دکتر حکیمه دبیران که در نهایت صبر و بردباری افتخار راهنمایی در به انجام رسانیدن این مهم را به شاگرد خویش بخشیدند تشکر می نمایم و سلامتی آن وجود گرامی را به دعا از خداوند می طلبم.

از لطف بی دریغ استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر محمود فتوحی که با درایت تمام کار مشاوره این رساله را پیگیری نمودند و با یاد آوریها و نظرات سازنده خویش راه گشای بسیاری از مشکلات گردیدند از صمیم دل سپاسگزارم.

از محبت بی دریغ استادان گرانقدرم جناب آقای دکتر حسن انوری، دکتر عباس ماهیار، دکتر محمود عابدی، دکتر مجدالدین کیوانی، دکتر سید مرتضی میر هاشمی، دکتر غلامعلی فلاح و دکتر محمد غلام که از فیض وجودشان بهره ها برده ام نهایت سپاس را دارم و سلامتی و توفیق این عزیزان را در خدمت به فرهنگ و ادب این مرز و بوم از خدای بزرگ خواستارم از مدیر محترم گروه جناب آقای دکتر حبیب ا. . . عباسی و همکاران ایشان سپاسگزارم بویژه از سرکار خانم حمیده حقیقی کارشناس محترم گروه که در نهایت خلوص و محبت مساعدتهای لازم را مبذول داشته اند کمال تشکر را دارم و در خاتمه یاد دکتر سیامک عرب را گرامی میدارم و شادی روانش را از درگاه ایزد منان خواستارم.

والحمد لله اولاً و آخراً

شهریار آزادخواه

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات

- ۱-۱- سرآغاز ..... ۲
- ۲-۱- شرح احوال عطار ..... ۳
- ۳-۱- اسرار نامه ..... ۴
- ۴-۱- الهی نامه ..... ۴
- ۵-۱- منطق الطیر ..... ۵
- ۶-۱- مصیبت نامه ..... ۶

فصل دوم : داستان پردازی

- ۱-۲- داستان پردازی عطار ..... ۸
- ۲-۲- اشخاص داستان ..... ۹
- ۳-۲- شیوه کار ..... ۱۰
- ۴-۲- فهرست اعلام ..... ۱۴

فصل سوم: بررسی اعلام

- ۱-۳- اعلام دینی و مذهبی ..... ۱۵
- ۲-۳- اعلام عرفانی ..... ۱۰۰
- ۳-۳- اعلام اساطیری ، تاریخی و علمی ..... ۱۴۹
- ۴-۳- اعلامی که نقش اساسی در داستان نداشته و بررسی نشده اند ..... ۱۶۷
- X- فهرست احادیث و اقوال ..... ۱۶۸
- X- فهرست سوره آیات ..... ۱۶۹
- X- فهرست منابع و مأخذ ..... ۱۷۳

فصل اول

کلیات

### « سر آغاز »

کردی ای عطار بر عالم نثار      نافه اسرار هر دم صد هزار  
از تو پر عطر است آفاق جهان      وز تو در شورش عشاق جهان

منطق الطیر ص ۲۴۶

از مطالعه مثنوی های عطار چنان بر می آید که شخصیت های متعدد در آن حضور دارند و با بین احوال و اقوال آنها معرفی شده اند و گویی وی برای بیان مقاصد و اغراض خویش ایشان را به شهادت طلبیده است. بررسی احوال شخصیت های مختلف از دیدگاه عطار برای علاقه مندان به آثار وی بی تردید بسیار مهم و سودمند است.

انگیزه تحقیق نگارنده، پاسخ دادن به این نیاز بود گرچه کار بسیار گسترده تر از آن بود که در فرصتی محدود به پایانی مطلوب بینجامد ولی خرسندم که در حد توان در این راه کوشیده ام چنانکه این تحقیق آغازی برای آشنایی بیشتر با آثار عطار را برای من فراهم آورده است.

و نیز امیدوارم رضایت خاطر استادان محترم خود را جلب کرده باشم. بی تردید هرگونه ارشادی که با عنایت خاص و مشفقانه همراه باشد نقص کار را مرتفع خواهد ساخت و آنرا به صورت مطلوب خود نزدیکتر می سازد.

### شرح احوال عطار نیشابوری

فریدالدین ابو حامد محمد بن ابوبکر ابراهیم بن اسحق عطار کدکنی نیشابوری شاعر و عارف نام آور ایران در قرن ششم و آغاز قرن هفتم است. ولادتش به سال ۵۳۷ در کدکن از اعمال نیشابور اتفاق افتاده است. از ابتدای کار او اطلاعی در دست نیست جز آنکه نوشته اند پدر وی در شادیاخ نیشابور، عطاری عظیم القدر بود و بعد از وفات او فریدالدین کار پدر را دنبال کرده است. مسلماً انقلاب حال عطار در همان اوان که از راه پزشکی و دارو فروشی به خدمت خلق سرگرم بود، دست داد و او که سرمایه ای عظیم از ادب و شعر اندوخته بود، اندیشه های عرفانی خود را به نظم روان و دل انگیز در می آورد و همچنان به کار خود ادامه می داد. این حالت بسیاری از مشایخ بود که وصول به مقامات و مدارج معنوی آنانرا از تعهد مشاغل دنیوی و کسب معاش باز نمی داشت.

نورالدین عبدالرحمن جامی، یعنی قدیم ترین کسی از متصوفه که به زندگی عطار اشاره کرده، او را از مریدان شیخ مجدالدین بغدادی معروف به خوارزمی که از تربیت یافتگان شیخ نجم الدین کبری بود شمرده است و همچنین عده ای از قدما و محققان معاصر، روحانیت معنوی عطار را با واسطه رکن الدین اکاف از ابو سعید ابوالخیر دانسته اند.

عطار مردی پرکار و فعال بود و چه در هنگام اشتغال به کار عطاری و چه در دوره اعتزال و گوشه گیری، که گویا در اواخر عمر دست داده بود، به نظم مثنوی های بسیار و پدید آوردن دیوان غزلیات و قصاید و رباعیات خود و تألیف کتاب نفیس و پر ارزش تذکرة الاولیاء سرگرم بود که از جمله مآخذ معتبر در شرح احوال و گفتارهای مشایخ صوفیه است.

وی برای بیان مقاصد عالیه عرفانی خود بهترین راه را که آوردن کلام بی پیرایه روان و خالی از هر آرایش و پیرایش است، انتخاب کرده و استادی و قدرت کم نظیر او در زبان و شعر به وی این توفیق را بخشیده که در آثار خود این سادگی و روانی را با فصاحت همراه سازد و توسل او به تمثیلات گوناگون و ایراد حکایات مختلف هنگام طرح یک موضوع عرفانی مقاصد معتکفان خانقاهها را برای مردم عادی بیشتر و بهتر روشن و آشکار می سازد.



شاید به همین سبب است که مولانا جلال الدین، عطار را به منزله روح، و سنایی را چون چشم طریقت دانسته و گفته است:

عطار روح بود و سنایی دو چشم او      ما از پی سنایی و عطار آمدیم  
عطار در قتل عام نیشابور به سال ۶۱۸ هـ. ق به دست سپاهیان مغول به شهادت رسید و مزار او هم در جوار آن شهر است.

### اسرار نامه

اسرار نامه از جمله کتبی است که به علت عمق مطالب و شرح غوامض تصوف یکی از مهم ترین کتاب های وی به شمار می رود. این همان کتابی است که به گفته دولت‌شاه سمرقندی هنگام مهاجرت بهاء الدین ولد و عبورش از خراسان، عطار به پسر وی مولانا جلال الدین بلخی هدیه کرد و دارای نود و چهار حکایت می باشد.

این کتاب در بحر هزج مسدس محذوف و به دوازده مقاله تقسیم شده و هر مقاله مخصوص است به اصلی از اصول تصوف که به روش صوفیان برای شرح و تفسیر آن اصول در هر مقاله حکایات و افسانه های بسیار دلکشی آورده است.

این کتاب که از مدح خدای تعالی و ستایش پیغمبر اکرم (ص) و ثنای خلفای اربعه شروع و به دعای سراینده ختم می شود شامل سه هزار و سیصد و نه بیت است که به زبانی ساده و درعین حال راه برنده به مقصود ساخته شده است و چنان با ترکیبات بدیع و تلفیقات بسیار تازه آمیخته شده که خواننده از دیدن آنهمه آثار بدیع و معانی رفیع سیر نمی گردد.

### الهی نامه

مثنوی است به وزن بحر هزج مسدس محذوف مشتمل بر شش هزار و پانصد و یازده بیت که آغاز می شود با حمد خدا و نعت رسول (ص) و مناقب یاران وی و پس از آن طرح اصلی کتاب شروع می شود که عبارت است از مناظره پدری با پسران شش گانه خود که هر کدام از وی چیزی خواسته اند بدینگونه: پسر اول، دختر شاه پریان. پسر دوم، جادویی. پسر سوم، جام جم. پسر چهارم، آب حیات. پسر پنجم، انگشتری سلیمان. پسر ششم، کیمیا؛ و پدر در جواب هر یک علت و سببی را که موجب این طلب شده و خواهش درونی فرزند را بر

انگیخته بیان می کند و پسر جواب می دهد و میان پدر و پسر بحث اخلاقی و دینی و اجتماعی در می گیرد و سرانجام پدر از میدان بحث چیره و پیروز بیرون می آید و پسر را قانع می کند آنگاه پسر حقیقت امر را از پدر جويا می شود و پدر آن امر را که مطلوب پسر بوده، توجیه و تأویل می کند.

روی هم رفته شیخ در الهی نامه دویست و هشتاد و دو حکایت به رشته نظم کشیده و مطابق اسلوب خود آنها را با زبان ساده و دور از تکلف به نظم آورده است. حکایات الهی نامه مفصل تر و درازتر از حکایات سایر آثار عطار است و روایات و قصص دینی بالنسبه سایر مثنویات صوفیانه عطار در الهی نامه بیشتر است.

### منطق الطیر

مثنوی است به بحر رمل مسدس مقصور، مشتمل بر چهار هزار و چهارصد و پنجاه و هشت بیت. تعبیر « منطق الطیر » مأخوذ است از آیه: «و ورث سلیمان داود و قال یا ایها الناس علمنا منطق الطیر» سوره نمل، آیه ۱۶.

این کتاب پس از حمد خدا و نعت رسول و ذکر مناقب چهار یار و اندرز به متعصبان با وصف سیزده مرغ که هر یک نمودار صفتی هستند شروع می شود و شیخ عطار در وصف آنها از قصص دینی و اطلاعات ساده عامیانه استفاده می کند.

اما طرح اصلی عبارت است از اجتماع مرغان و مجمع ساختن آنها برای برگزیدن و پیدا کردن پادشاهی که بر آنها فرمانروایی کند؛ زیرا معتقد بوده اند که بدون پادشاه زندگانی کردن و آسوده زیستن کاری دشوار است و در آن مجمع، هدهد به پا می خیزد و خود را، بدانکه فرستاده سلیمان سوی بلقیس بوده، وصف می کند و سیمرغ را شایسته سلطنت و فرمانروایی بر مرغان معرفی می کند و زان پس هر یک از مرغان عذری پیش می آورند و از طلب سیمرغ سر باز می زنند ولی هدهد هر یک را جوابی شایسته می دهد و اقناع می کند.

مرغان به راه می افتند و اکثر در طلب مقصود، جان می بازند؛ تا سی مرغ نحیف و بال و پر سوخته به حضرت سیمرغ می رسند و آنجا در می یابند که طالب و مطلوب یکیست؛ زیرا آنها سی مرغ طالب بودند که مطلوبیشان سیمرغ بود.

درین مثنوی که یکصد و هفتاد و چهار حکایت را در برمی گیرد از سلوک و سیر الی الله و از مقامات تبتل تا فنا که آخرین مرحله ای است که مرغان بدان واصل شده اند بحث می کند ولی بیشتر نظر عطار مربوط است به آفات سلوک و راه علاج آنها.

### مصیبت نامه

منظومه ای است مشتمل بر هفت هزار و پانصد و سی و نه بیت به وزن رمل مسدس مقصور که شیخ آنرا در بیان سیر آفاقی و سفر فی الخلق گفته است.

پس از حمد و نعت و ذکر معراج و منقبت چهار یار و حسنین، شیخ مقدمه ای ترتیب می دهد مشتمل بر رد کسانی که شعر را مذموم شمرده و مکروه می دانسته اند.

طرح کتاب بر این اساس است که سالک به هدایت پیر سلوک خود را آغاز می کند، این سالک فکر انسانی است ولی فکری که از ذکر حاصل گردد.

در مجموع چهل مقاله و چهار صد و سی و هفت حکایت عطار خطاب سالک را با مضامینی که مناسب مرتبه آن موجود است، که طرف خطاب سالک واقع می شود، آرایش می دهد و این مضامین غالباً از روایات و قصص مذهبی مستفاد شده است.

این مقامات مراحل است که هرگاه سالک آنها را طی کند به حق واصل می گردد و سعۀ وجودش به جایی می رسد که همه چیز را در خود می بیند.

**فصل دوم**

**داستان پردازی**

### داستان پردازی عطار

سنایی اولین شاعری است که در قرن ششم با سرودن مثنوی های تعلیمی و عرفانی افکار صوفیانه و مباحث اجتماعی را وارد شعر فارسی ساخت و از آن زمان شعر فارسی بر اثر آمیختگی با اندیشه های عارفان، رونقی دیگر یافت. حدیقه سنایی اولین منظومه عرفانی است که در آن مراحل سیر و سلوک و مقامات تصوف در خلال قصه ها و تمثیلات بیان شده و حکایاتی از احوال و مقامات مشایخ صوفیه در آن آمده و شیوه او بوسیله عطار و مولوی ادامه یافت.

تعلیم و موعظه در آثار عطار یکنواخت و ملال آور نیست، از خصایص عمده شعر عطار آن است که به خلاف سنایی و مولوی از آوردن داستانها و الفاظ مستهجن خودداری کرده، هرگز به مدح و ستایش شاهان و امیران نپرداخته است.

سبک بیان عطار ساده و طبیعی است و از الفاظ نامأنوس کمتر نشانی در آن دیده می شود. اغلب از عبارت پردازی و تصویرگری دوری می جوید، البته گاهی صنایعی از قبیل تشبیه، تناسب، تمثیل و بویژه التزام را به کار می گیرد.

شعر عطار بیان کننده آرمانها، دردها و رنجهای روحی انسانها و اعتلا دهنده فرهنگ عوام و بیش توده هاست.

هنر عمده او این است که شعر را از دنیای بسته دربارها و حجره های پر قیل و قال مدارس بیرون آورد و به میان توده های مردم برد و با شور و حال اهل خانقاه در آمیخت و این سرآغاز تحولی بزرگ در ادب فارسی گشت.

چون سرگذشت مردم عادی موضوع شعر واقع شد و مخاطب شاعر نیز همین مردم بودند، زبان قصه ها هم، نرم و ساده شد و به زبان مردم نزدیک تر گردید.

نفوذ افکار صوفیانه در شعر فارسی و راه یافتن شعر به خانقاهها وسیله ای شد تا شاعران در لباس قصه و تمثیل به تهذیب اخلاق و افکار مردم پردازند و در خلال حکایاتی شیرین و پند آمیز حالات روحانی و رموز عشق عرفانی را بیان کنند.

همه مثنوی های عطار به جز اسرار نامه، به شیوه متداول داستان سرایی فارسی یعنی درج قصه های کوتاه ضمنی در یک داستان جامع و مستقل تنظیم شده است. ظاهراً عطار نخستین کسی است که این اسلوب را در سرودن منظومه های عرفانی به کار برده است.

موضوع های عطار در قصه پردازی، همه تعلیمی و حکمی و عرفانی است و انسان را به ترک آرایش های جسمانی و توجه به احوال نفسانی فرا می خواند و با آنکه از گذشت عمر و بی ثباتی دنیا صحبت می کند و درای کاروان مرگ را همواره در گوش انسان به صدا در می آورد و یکسره تسلیم یأس و بدبینی نمی شود و با تصویر دور نمای اتصال به حق و نوید رسیدن به سرچشمه زلال معرفت، القا کننده خوشبینی است.

مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی های عطار

### اشخاص داستان

عطار به مقتضای شغل خویش با طبقات مختلف مردم سروکار داشته و روحیات و افکار آنان را به خوبی می شناخته است. او در تحلیل وضع روحی قهرمانان خویش چیره دست و به زیر و بم روحیات آنان آشنا و درگزینش قهرمانان داستان هوشیار و تیزبین است. هرگاه که می خواهد مقامات عرفان و تهذیب نفس را بیان کند به ذکر اقوال و حالات عرفا و مشایخ می پردازد و آنجا که از وحدت شهود و وحدت وجود سخن به میان می آورد ماجرای حلاج و با یزید را باز می گوید.

زمانی که شور و دلدادگی و پاک بازی را مطرح می کند شخصیت داستان او، مجنون و زلیخا و رابعه بلخی است و در بیان ایثار و جوانمردی قصه را به عیار، یا رندی بی نام و نشان نسبت می دهد. در قصه های او سلطان محمود با چهره ای ملکوتی ترسیم می شود و عشق او به ایاز نمونه یک عشق آسمانی معرفی می گردد.

در حقیقت خمیر مایه قصه های عطار، عشق است. عشق الهی که موجودات خاکی را به ورای عالم ماده عروج می دهد و موجب اتصال و پیوستن به حق می شود.

### ضرورت و پیشینه تحقیق

اگر چه در خصوص نکات و ویژگی های گوناگون آثار عطار مباحث مختلف و تحقیقات گسترده و دامنه داری صورت گرفته است، اما پرداختن به بحث «اعلام (اشخاص) در مثنوی های عطار از دیدگاه وی» و طرح شناخت و بررسی نظر گاههای گوناگون او نسبت به آنها در مجموعه ای جداگانه که برطرف کننده نیاز اهل تحقیق باشد کمتر مورد توجه بوده است و بیشتر شارحان آثار عطار یا فقط از دیدگاه تاریخی به شرح احوال آنان پرداخته اند و یا اینکه تنها به موردی خاص همچون اعلام اساطیری و رمزی نظر داشته اند که البته زحمات آنان در خور تقدیر و تشکر است.

تحقیق حاضر ضمن برطرف کردن این نیاز، از امتیازات ذیل نیز برخوردار است:

**الف:** چون معرفی شخصیت ها از دیدگاه عطار صورت پذیرفته است، علاوه بر معرفی تاریخی به صورت مجمل با استفاده از منابع و مآخذ گوناگون میزان شناخت و نظر گاههای خاص وی نسبت به هر یک از ایشان را نیز بیان می دارد.

**ب:** رعایت ترتیب الفبایی و دسته بندی اعلام سبب شده است تا رساله به صورت یک « فرهنگ واره موضوعی » برای شناخت اعلام مثنوی های عطار قابل استفاده باشد.

**ج:** انجام این تحقیق علاوه بر معرفی جنبه ای از سبک شعری عطار، راه را برای مطالعه و مقایسه سبک شناسانه قصص مشترک عطار و سنایی و مولانا هموار کرده است.

### شیوه کار

برای تدوین این رساله در آغاز مثنوی های اسرار نامه، الهی نامه، منطق الطیر و مصیبت نامه را خواندم و اعلام موجود در آنها را استخراج کردم و در ادامه ابیات مربوط به هر یک از اعلام را فیش نویسی و مرتب نمودم. سپس آنها را به سه دسته کلی شامل الف: اعلام دینی و مذهبی، ب: اعلام عرفانی، ج: اعلام اساطیری و تاریخی و علمی به ترتیب الفبایی تنظیم کردم و شرح حال مختصری نیز از هر یک با مراجعه به کتب اعلام و تذکره ها ترتیب دادم و سپس به بررسی احوال و اقوال آنها با توجه به شناختی که عطار نسبت به ایشان داشته است با ذکر شواهد و حکایات پرداختم.